

مصاحبه با برادرالویری نماینده و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی

«... همانطوری که پس از سقوط بنی صدر، پیروزی در جنگ سیاسی، تحول و دگرگونی در برنامه ریزی کشور بوجود آمد، اتمام این جنگ نظامی نیز تحول و دگرگونی بیشتری در زمینه صنایع ایجاد خواهد کرد و پس از پیروزی در جنگ نظامی مادرستانه یک جنگ اقتصادی قرار خواهیم گرفت. این جنگ اقتصادی می تواند صنعت، کشاورزی، دامپروری و در یک کلمه اقتصاد ما را در این کشور دگرگون کرده و از وابستگی به غرب نجات دهد...»

این مطالب، گوشه‌ای از مصاحبه برادرالویری نماینده مردم دماوند و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی است. برادرالویری در این مصاحبه پس از توضیح پیرامون وضعیت صنایع کشور و مشکلات کارخانجات ملی شده، نحوه فعالیت کمیسیون صنایع و معادن و برنامه ریزیهای بلند مدت در راه خودکفائی صنایع کشور به جنگ اقتصادی اشاره و تاکید می‌کند. جنگی که پس از پیروزی در جنگ تحمیلی آغاز خواهد شد، و خودکفائی و استقلال صنعتی را به ارمغان خواهد آورد.

متن کامل مصاحبه را می‌خوانید:

س - ویژگیهای صنایع کشور را در ارتباط با مساله استقلال و خودکفائی بیان کنید.

ج - مهم ترین ویژگی صنایع ما در این کشور وابستگی است. قبل از پیروزی انقلاب، عمده

میزان وابستگی از نظر نیروی انسانی

از نظر نیروی انسانی باستانی متخصصین صنایع بزرگ، نیاز چندانی به نیروهای انسانی آنها نبود، البته نیروهانی که در اینجا تربیت می شدند، متخصص نبودند، نیروهانی بودند که خوب مونتاژ

● بیکاری از مسائلی است که باید در برنامه ریزی صنعتی کشوره ورد نظر باشد، چراکه بیکاری موجب افزایش فساد و افزایش تورم در اقتصاد می‌شود

می کردند، خوب سرویس و خوب راه اندازی می کردند و آموزشهایی در جهت برنامه ریزی طرح و ابتکار با اصطلاح تکنولوژی صنعتی به آنها داده نمی شد.

مالکیت‌ها نیز وضعیتش همینطور بود، بیشتر کارخانه‌ها در دست سرمایه داران بزرگ بود و آنها برای سودآوری آوری بیشتر اقدام به وارد کردن

صنایعی که ما داشتیم شیشه عمرش در دست غرب بود، و بیشتر مواد اولیه، قطعات یدکی، ابزار ماشین آلات و حتی محصولات صنعتی مصرفی از خارج وارد می شد. و آن چیزی که به نام صنعت داخلی نامیده می شد، صنایع مونتاژ بود. بعنوان مثال اگر می‌خواهیم یک رادیو بسازیم، باید برنامه ریزیمان به این شکل باشد که لوازمی که در آن بکار می‌رود

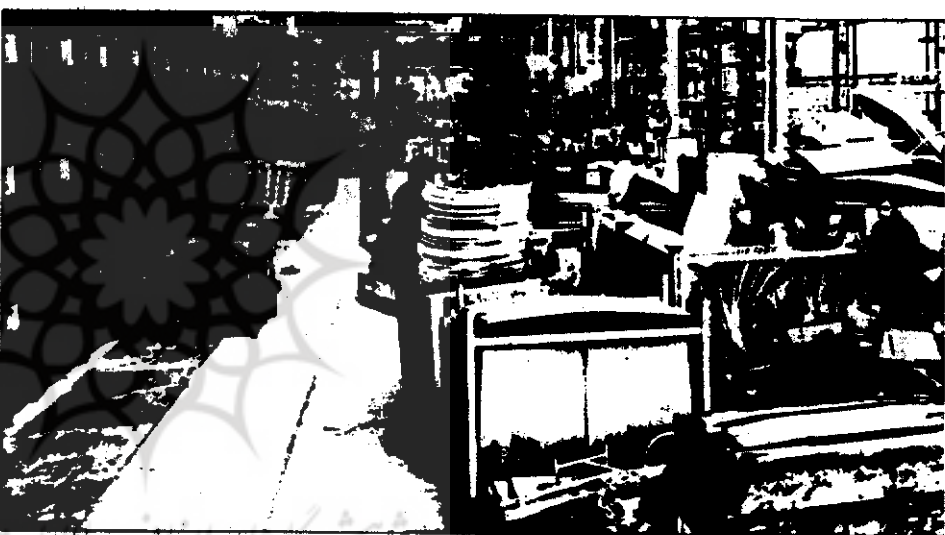
مانند خازنها، دیودها، مقاومت های مختلف و... در داخل کشور بسازیم. و بر مبنای ساخت اول، رادیو را مونتاژ کنیم
اما وقتی وابسته باشد، خود این عمل به صورت جمع آوری همین قطعات که مستقیماً از کشورهای دیگر وارد می شود، صورت می‌گیرد. بنابراین می‌بینیم حتی میزان محدود تولیدی که در صنایع الکترونیک در کشور داشتیم، کلیه لوازمش از خارج وارد میشده است. طبق یک آمار تقریبی که در سال ۵۹ بدست آمده است ۸۵٪ قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز و ۷۵٪ مواد اولیه کارخانجات ما از خارج کشور وارد میشد. و به صنایع مادر و سنگین توجهی نمی شد.

ماشین آلات و لوازم ساخت کشورهای دیگر می‌کردند و بعنوان مثال می‌توان از اتومبیل پیکان که در انگلستان ساخته می‌شود نام برد. آنها دیدند که نیروی کار ارزان در اینجا فراوان است و علاوه بر آن اگر این اتومبیل در داخل کشور ساخته شود، از حقوق گمرکی عوارض معاف خواهد شد، اقدام به وارد کردن قطعات یدکی کردند و با استفاده از نیروی کار ارزان، سرمایه‌های خود را در جریان کارهای تولیدی بکار گرفتند.

کارخانه داران بزرگ برای بدست آوردن سود بیشتر فشار بیشتری به کارگران وارد می‌کردند و از آنها کار بیشتری می‌کشیدند. بعد از پیروزی انقلاب بسیاری از این کارخانجات مصادره شد و بعزت معاصره اقتصادی، واردات لوازم یدکی و مواد اولیه‌ای که این کارخانجات نیاز داشتند، دچار کمبود شد و مشکلات ارزی نیز این مساله را تشدید کرد و بالاخره مساله جنگ و بی‌امدعایش کارخانجات را دچار نوسانات و گرفتاریهای متعدد

سیاسی و نظامی نو

جنگ اقتصادی



کشور ممکن است در صنعت اتومبیل سازی بعزت کمبودی که دارد مجبور به وارد کردن اتومبیل از ژاپن شود. وقتی که از ژاپن اتومبیل وارد شد می باید به دنبال آن قطعات و لوازمی را که سالیان بعد احتیاج خواهد بود بتدریج وارد کرد. بنابراین رفع نیاز کشور خودبخود وارد کردن آن خلاصه نمی شود. بلکه سالیان دراز باید لوازم یدکی آنرا هم وارد بکنی. در زمینه صنایع خودروسازی به یک برنامه ریزی ۱۰ ساله توجه شده که ما در سال آینده به چه تعداد

اتومبیل سواری، کامیون، مینی بوس و... احتیاج داریم و بر مبنای همان برنامه ریزی که حساب شده دستور ساخت خودروها داده شده است. خلاصه اینکه برای قطع زنجیرهای وابستگی صنعتی نیازمند برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت می باشیم که این یک کاری است ضروری و حیاتی برای حفظ انقلاب.

حاصلیه دوم که در برنامه ریزی صنعت کشور مورد توجه قرار گرفته، مساله اشتغال است. می دانید که روز به روز جمعیت این کشور افزایش می یابد و با سرعت رفتنی که پس از پیروزی انقلاب و مخصوصا در شش ماه اول سال ۶۰ داشته ایم و در دنیا بی نظیر بوده است جمعیت ایران تا ۱۱ سال دیگر دو برابر می شود بنا بر این باید از همین الان برای افزایش جمعیت پیش بینی های لازم را بکنیم.

در رژیم گذشته مقدار زیادی کار کاذب بود یعنی افراد را بعد از گرفتن دیپلم بر سر یک دفتر و میزی مشغول می کردند. و به همین خاطر است که حجم کارمندان در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی ۵ برابر آن چیزی است که مورد نیاز است و اینها برای این بود که بیکاری در جامعه را مخفی نگه دارند. در یک نظام انقلابی چنین چیزی قابل تحمل نیست و نیروها باید بکار تولیدی اشتغال ورزند. و این مسائل هست که ما را و میدارد چنان برنامه ریزی و ورق بزنید

انجام بگیرد... که خوشبختانه در این مورد کارهای اصولی و خوبی صورت گرفته است.

صنعت مستقل و خودکفا

س - مشخصات صنعت مستقل و خودکفا در نظام جمهوری اسلامی چیست؟

ج - اولین چیزهایی که در این باره مورد توجه مسئولین قرار گرفت و مخصوصا در کمیسیون مورد بررسی واقع شد تعیین نوع صنعت در نظام جمهوری اسلامی ایران بود و اینکه هرچه زودتر خط مشی صنعت مشخص شود. خوشبختانه در این موارد ضوابطی تعیین شد که می توان از آن ضوابط مساله استقلال و خود کفایی را نام برد. استقلال به این مفهوم که ما از نظر تکنولوژی، وابستگی به غرب و شرق پیدا نکنیم. بعنوان مثال

خود. با توجه به همین مطالب است که روشن می شود چرا در سال ۵۹ کارخانجات مانده تنه سودآوری نداشتند بلکه حدود ۱۶ میلیارد تومان به بیت المال ضرر زده اند.

از دیگر علتهای این ضررها، تغییر مدیریتها بوده است. مقداری زیادی از صنایع ملی شد و در اختیار دولت قرار گرفت، تغییر مدیریتها، عدم کارایی و قدرت پذیرش این مسئولیتها از سوی دولت، خود بخود باعث باین امنیت سطح تولید شد و نبودن ضوابط و قوانین مشخص برای کارخانجات ملی شده نیز، عامل دیگری بود که این موضوع را شدیدتر کرد و در این میان جنگهای سیاسی نیز اوضاع را بیش از پیش آشفته کرده بود. مساله بنی صدر یکی از عواملی بود که مقدار زیادی از نیروها را هدر میداد. اما از اوایل سال ۶۰ که کمی نظام بخود شکل گرفت و ثبات سیاسی بوجود آمد، فرصت آن پیش آمد که به فکر برنامه ریزی بیافتیم و اینکه صنعت ما به کجای می خواهد برود و چکار باید

سود ممکن است افرادی این سهام را بخرند که حتی در خود کارخانه حضور نداشته باشند. اما وقتی صورت تعاونی است، سهام به تعداد محدود به کسانی واگذار می شود که در کارخانه حضور دارند. در اینجا کار می کنند (البته چون هنوز بحث ها به پایان نرسیده)، ممکن است نتیجه کار یک ترکیبی از تعاونی و سهامی کردن کارخانجات با هم به عمل برگردد. الان مورد بررسی است و مراحل حیاتی خودش را می گذراند.



کیم که هم زود به تولید برسیم و هم اشتغال را بالا ببریم. ممکن است برنامه ریزی هائی داشته باشیم که در عرض ۱۰ سال بتواند نیروهای بیکار را بخوش جذب بکند اما این دردمان را در مان نخواهد کرد. ما احتیاج به صنایعی داریم که همین حالا بتواند این نیروهای بیکار را جذب کند. بیکاری از نظر روانی به جامعه ضربه می زند، موجب افزایش فساد میشود و از نظر اقتصادی هم نقش موثری در افزایش تورم دارد چرا که تعداد زیادی بجای اینکه تولید کنند، مصرف می کنند.

ضابطه سوم مساله اعتدال و برقراری عدالت اجتماعی است. اگر ما به عدالت اجتماعی و قسط که انقلاب اسلامی بر آن پایه گذاری شده است، توجه نکنیم ممکن است بتوانیم تولید را به سرعت بالا ببریم. و چرخهای کارخانجات را به گردش در آوریم. اما به ازای از بین بردن حقوق مستضعفین به ازای استثمار طبقات محروم جامعه، اینجاست که ما مکتب را قربانی تولید کرده ایم. نمی خواهیم به طرف یک نظام سرمایه داری پیش برویم. همانطور که نمی خواهیم مالکیت های مشروع را نادیده نگاریم. ضوابط اسلامی که بر مبنای همان عدالت و قسط است، ایجاب می کند که ما در عین اینکه در جهت افزایش تولید و گسترش صنعت پیش می رویم، در عین حال باید عدالت اجتماعی را برقرار سازیم. هرگز نباید ارزشهای مکتبی قربانی رشد صنعتی شود.

خلاصه کلام آنکه برنامه ریزی صنعتی باید بگونه ای باشد که اولاً وابستگی را قطع کند، ثانیاً اشتغال کامل ایجاد، ثالثاً عدالت اقتصادی را به ارمغان بیاورد.

وضع مالکیت صنایع

س - وضع مالکیت صنایع با توجه به قانون اساسی به چه صورت است؟

ج - به موجب قانون اساسی صنایع

مادر بگذریم در مورد صنایع کوچکترین بخشهای تعاونی و خصوصی مطرح می شود. بخشهای تعاونی عمدتاً صنایعی را شامل می شوند که جزء دسته اول یعنی بزرگ و استراتژیک نبوده اما دارای گستردگی نسبی از نظر تعداد کارکنان و میزان سرمایه باشد. بالاخره بخش خصوصی که عمدتاً صنایع کوچک در اختیار آنان است و دولت هم به آنها کمک میکند و به آنها اجازه رشد و نمو می دهد منتهی با همان عدالت و قسطی که بر مبنای ضوابط اسلامی حاکمیت دارد. یعنی در عین اینکه فرد سرمایه دار می تواند به ازای تلاش و کوشش بیشتر سود بیشتری از کارخانه ببرد، در عین حال به او اجازه استثمار کارگران داده نخواهد شد.

س - آیا ضوابطی برای جلوگیری از استثمار کارگران تعیین شده است؟

ج - ضوابط این امر را کمیسیون کار و امور اجتماعی تعیین می کند. کمیسیون صنایع عمدتاً به مسائل فنی و تخصصی صنعت

س - چه مشکلاتی در رابطه با صنایع ملی شده وجود دارد؟

ج - من فکر میکنم به علت چو سازی ای که منافقین و چریکهای فدائی خلق در آنروزها در دولت

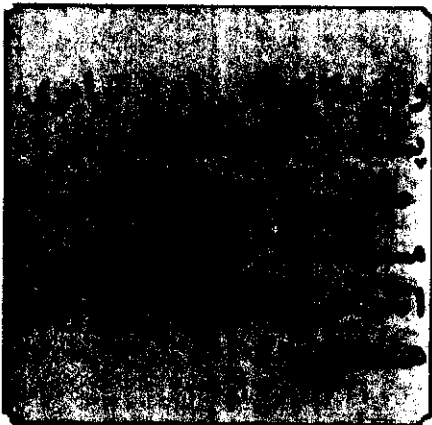


بازرگان و در در زمان حاکمیت شورای انقلاب کردند شورای انقلاب در ملی کردن کارخانجات عجله کرد، بدون اینکه توان سرپرستی این واحدهای تولیدی را داشته باشد و وقتی که کارخانجات ملی شد، بدنیانش کم کاری در کارخانجات رواج پیدا کرد. مدیرانی که از سوی شورای سازمان صنایع ملی به این واحدها فرستاده می شد، چون با مسائل داخل کارخانه آشنایی کافی نداشتند نتوانستند در کارهایشان موفق شوند و برای همین در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ ضرر هنگفتی را بردوش دولت گذاشتند. شاید بهتر بود در آن روزهای اول فقط همان صنایع استراتژیک و محوری و واحدهای تولیدی که مشمول بند «ب» قانون حفاظت و توسعه صنایع مصوبه شورای انقلاب می شد و صاحبان آن یا فرار کرده بودند و یا افرادی بودند که امواتشان می بایستی مصادره شود، در اختیار دولت قرار می گرفت که مناسبانه چنین شد. و با توجه به همان جوی که مخالفین ساخته بودند، که صنایع باید زیر پرورش

● جهاد سازندگی همانگونه که از نامش پیداست «جهاد» است که می خواهد کشور را دگرگون کند و می تواند پرچمدار جنگ جدید اقتصادی در آینده باشد

استراتژیک و مادر در مالکیت دولت می باشد. مثل کارخانه ذوب آهن، ماشین سازی، خودرو سازی و... این ها صنایع استراتژیک و مادر هستند که اگر بخواهیم در اختیار بخش خصوصی قرار بدهیم چون بخش خصوصی که می خواهد دنبال منافع خودش باشد، ممکن است یک مرتبه لطمه ای به حرکت انقلاب اسلامی وارد سازد. از صنایع استراتژیک و

می پردازد،
س - فرق شرکت های سهامی و شرکت های تعاونی بطور مشخص چه می باشد؟
ج - کارخانه ها اگر بصورت سهام عرضه



س - در حال حاضر کارخانجات با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

ج - الان مشکلی که ما داریم و هنوز حل نشده مشکل دخالت کردن افراد غیرمسئول در واحدهای تولیدی است. یکی از عواملی که قدرت هیأت مدیره و مسئولینی که از طرف دولت در واحدهای تولیدی گمارده می شوند، ضعیف می کند، دخالت غیرمجاز و غیرقانونی و بدون ضابطه انجمن ها و شوراهای اسلامی است که اگر هم از روی دلسوزی باشد نتیجه اش تضعیف مدیریت خواهد بود، الان من از واحدهای تولیدی اسم نمی برم چون ممکن است بعدا باعث دلخوری یک عده ای بشود و احیانا یک تشنجی بر روی تشنج گذشته شود، اما طبق گزارشاتی که در کمیسیون مطرح شده غیر از هیأت

دولت قرار بگیرد بصورت گسترده ای کارخانه ها ملی شد و الان کسانی که خودشان در جریان صنایع ملی هستند و با مشکلات آنجا روبرو هستند، معترفند که این تصمیم نباید در آن وقت صورت میگرفت. بدین معنا که این کار عجله شد و برنامه ریزی دقیقی انجام نشده بود. نظر من این است که آن واحدهای تولیدی ملی شده که صنایع استراتژیک و مادر هستند، در اختیار دولت باقی بماند ولی بقیه آنها به بخش خصوصی و تعاونی عرضه شود نحوه عرضه آن باید مورد بررسی قرار بگیرد اینکار چند نتیجه به همراه خواهد داشت. اولاً از این راه مقدار زیادی از پولهای سرگردان جامعه که در دست سرمایه داران است و صرف واسطه گری و خریدوفروش کالا و نهایتا موجب گرانی و شدت تورم می شود، به جیب دولت می ریزد و دولت می تواند مقداری از کسود بودجه خودش را از این طریق

اگرچه خیلی مواقع در جهت ارشاد و هدایت کارکنان کارخانه است، اما گاهی اوقات موجب تضعیف هیأت مدیره شده و بجای اینکه آن تذکرات از راه قانونی به هیأت مدیره داده شود بصورت دخالت های مستقیم انجام گرفته و موجب تشنج و اختلافاتی در محیط کارخانه میشود. یکی از علل زیان کارخانه ها هم همین ضعف مدیریت است و دیگری مواد اولیه و کمبود مواد اولیه و گران شدن آن است دیگر از علتهای محاصره اقتصادی و بدنبال آن نرسیدن لوازم یدکی و ضرورت تهیه آنها از بازار سیاه به قیمت زیاد می باشد و علت دیگر تورم جهانی است که خودبخود روی صنایع ما هم اثر میگذارد عامل پنجم افزایش دستمزد است. میدانید که بعد از پیروزی انقلاب در عرض یکسال حقوق و دستمزد کارگران بسیار بالا رفت و این بالا رفتن در کنار این مسئله که در حمایت از مصرف کننده، باید نرخ کالای تولید شده ثابت بماند خودبخود موجب ضرر واحدهای تولیدی میشود.



س - خرید کارخانجات اخیرا از سوی بازار مطرح شده است نظر شما پیرامون این مسئله چیست؟

ج - من فکر میکنم صحبت در برخی صنایع ملی شده و عرضه آنها به بخش های تعاونی و خصوصی بوده است. والا بعد میدانیم که دولت بخواهد بخش خصوصی را بیش از این در تجارت وارد کند چرا که قیمت کالا چند برابر میشود شما میتوانید ببینید کالایی که در دست تجار می افتد چقدر گران بدست مصرف کننده میرسد، ما وقتی که از این تجار به طریق مختلف خلع ید کردیم (از جمله سهمیه بندی کالا) و اجازه ندادیم این افراد پول خودشان را در کارخانجات بکار اندازند طبیعی است که اینها در صدد هستند به نحوی دیگر سرمایه خودشان را بکار ورق بزنند

مدیره واحدهای تولیدی، نماینده دادستان انقلاب مستقلا خودش یک هیأت مدیره دیگری است که اعمال مدیریت می کند، انجمن اسلامی هم باز برای خودش مدیر دیگری در کارخانه است، شورای اسلام، باز مدیرسومی است که مستقل از آن عمل می کند و هر کدام از اینها بعنوان بانی و مسئول انقلاب جداگانه حکم صادر می کنند و عمل میکنند بنابراین آن هیأت مدیره اصلی که بایستی کارخانه را اداره کند از اداره کردن محیط خودش عاجز است. الان با صحبت هایی که در کمیسیون کار و امورات اجتماعی شده و در کمیسیون صنایع ملی هم بحث شده قرار بر این شده که حوزه اختیارات انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی را در کارخانجات مشخص کند و از اینها بخواهند که بر مبنای ضوابط قانونی و اختیاراتی که می توانند داشته باشند، عمل کنند گذشته از این مشکلی که ما در بعضی از شهرستانها داریم، دخالت بعضی از آئنه جمعه بعضی شهرستانها در امور داخلی کارخانه هست که

تأمین کند و فایده دیگری این است که این کارخانجات که عمدتا الان از ضعف مدیریت در رنج هستند، صاحب مدیران دلسوزی شوند و تولید کارخانجات را بالا ببرند و چون میزان مصرف در جامعه تغییر نمی کند وقتی تولید بالا رفت خودبخود تورم کاهش می یابد.

س - نحوه واگذاری و یا فروش کارخانجات فوق به چه صورت خواهد بود؟

ج - نحوه واگذاری این واحدهای تولیدی باید طوری باشد که باز سرمایه داران سابق به روال گذشته برگرد کارگران سوار نشوند، این است که ما بیشتر تکیه می کنیم این واحدها به تعاونیها عرضه شود و یا بصورت سهامی درآید که کارگران و کارکنان یک واحد تولیدی بتوانند این سهامها را خریداری کنند و در سود و سرمایه شریک باشند.

ریزها کار میکند و تا حد زیادی هم وزارت صنایع، اما عمدتاً این کارها توسط سازمان برنامه انجام میگیرد و سایرین برنامه های خود را با این سازمان هماهنگ میکنند.

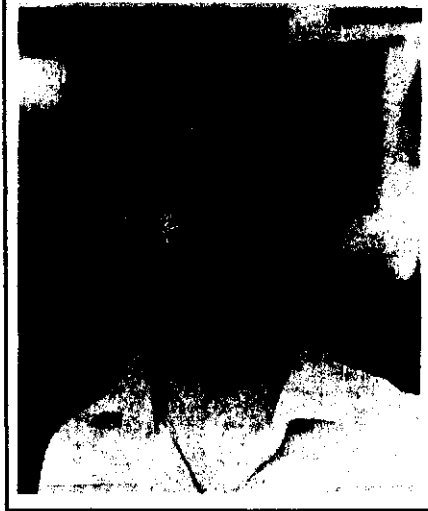
س - فشرده ای از عملکرد کلی کمیسیون صنایع از ابتدا تا کنون بفرمایند؟

ج - کمیسیون صنایع، طرحها و لوایحی را که بطور کلی مربوط به صنایع کشور است، مورد بررسی قرار میدهد مثل لایحه معادن که در آستانه تصویب مجلس است یا تاسیس وزارت معادن و فلزات و لایحه تاسیس وزارت صنایع سنگین.

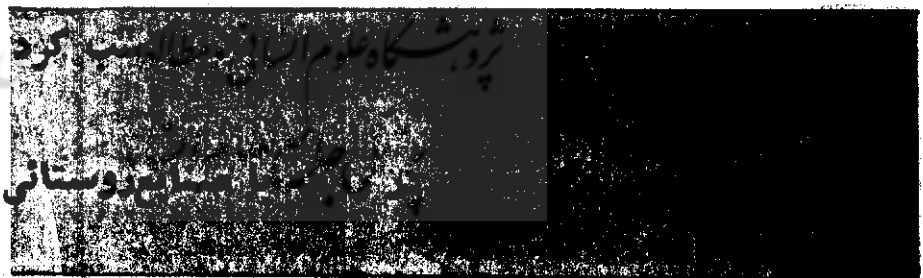
طرح دیگری که در مرحله بحث و تصویب است تاسیس شورای عالی صنایع می باشد که این مرکز فعالیتهای صنایع کشور را هماهنگ خواهد کرد و خط مشی واحد به آنها عرضه می کند. از اینها که بگذریم در مورد خود مشخصات خط مشی صنعتی کشور در کمیسیون بحث و بررسی شده بالاخره دعوت از مسئولین اجرایی و مشخص کردن مشکلات آنها و یا بررسی شکایتهایی که به کمیسیون در رابطه با صنایع میرسد، مثلاً در کارخانه ای مثل ماشین سازی اراک و یا ناسونال و یا جاهای دیگر اختلافاتی بروز می کند و یا مشکلاتی که در رابطه با مدیریت و مسائل کارگری پیش می آید و یا صنایع با مشکلات تهیه مواد اولیه و یا ارزی روبرو میشوند، رابطه ای که با بانکها دارند و مسئله مالکیت که پیش می آید اینها در کمیسیون مورد بحث و بررسی قرار می گیرند و نظر کمیسیون هم بعداً به ارگانهای اجرایی داده میشود تا به آن توجه کنند.

س - راجع به تغییر خط تولید از تنوع طلبی به تهیه نیازهای اساسی توضیح بفرمایند.

ج - نظام سرمایه داری و غربی سعی میکند تنوع کالا را ترغیب و تشویق کند، مثلاً ما انواع سواری و مینی بوس در کشور داشته باشیم، اما شرایط انقلابی به ما حکم می کند که ما این تنوع را تا می توانیم کمتر کنیم و بطرف سادگی پیش برویم، تا بتوانیم خود کفایی و استقلال مان را بدست آوریم، چرا که اگر ما تنوع را زیاد کنیم مجبوریم که قطعات و لوازم متناسب با این تنوع دائماً از خارج وارد کنیم الان قرار شده که ما در ساختن صنایع یک ساخت واحدی داشته باشیم، شما اگر نگاه کنید در زمان گذشته ما سه یا چهار نوع وانت در کشور تولید می کردیم اما در برنامه ریزی جدید



صنایع دستی و صنایع ملی شده تحت نظارت وزارت صنایع می باشد صنایع مصادره شده در دست بنیاد مستضعفین است، و مدیریت آن هم الان در دست بنیاد مستضعفین است. مقداری از صنایع در دست وزارت نیروست که عمدتاً مربوط به نیروگاهها و تولید انرژی در سطح کشور میشود، صنایع الکترونیک دست وزارت پست و تلگراف و تلفن است، صنایع نظامی نیز زیر نظر وزارت دفاع سازمان صنایع نظامی است. صنایع مربوط به نفت و پتروشیمی که زیر پوشش وزارت نفت است صنایع مربوط به لکوموتیو قطار و صنایع هواپیمایی که زیر نظر وزارت راه و ترابری قرار گرفته است. بنابر این نهادهای مختلفی چون وزارت راه و ترابری، پست و تلگراف و تلفن، وزارت نیرو، صنایع و صنایع سنگین و بنیاد مستضعفین در بخش صنایع فعالیت میکنند. البته جهادسازندگی از ارگانهای انقلابی است که در صنایع کوچک روستایی نقش موثر داشته است.



س - آیا در زمینه برنامه ریزی همه نهادهایی که گفتید حضور دارند؟

ج - خیلی از اینها که نام بردم، در برنامه ریزی کلی شرکت ندارند، بلکه سازمان برنامه و کمیسیون صنایع و معادن است که بیشتر روی این برنامه

اندازند. در اینجا سیاستهای دولت باید به نحوی باشد که این ثروتها و پولهایی را که به این صورت در دست ثروتمندان وجود دارد، برای به حرکت در آوردن چرخهای تولیدی و افزایش تولید به کارگیرد و هم بتواند کنترل کند که این ثروتها موجب استثمار نشود و اینکار یعنی عرضه کردن کارخانجات به نحو مناسبی که این شرایط را برآورده کند در دست مطالعه است. فکر میکنم که این شایعه بعد از مطرح کردن بحث عرضه کردن واحدهای تولیدی کم کارگر از ناحیه سازمان صنایع ملی و بنیاد مستضعفین به بخش خصوصی قوت گرفته است.

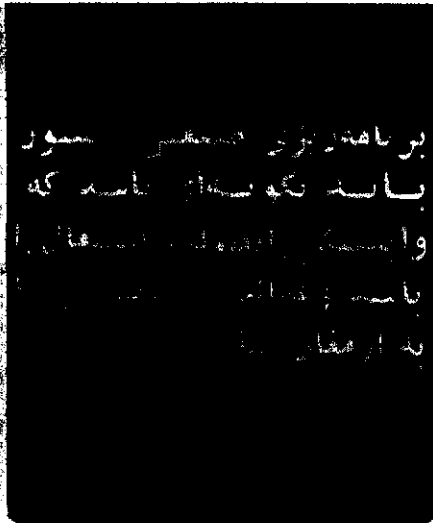
عرضه کردن واحدهای تولید مصادره و ملی شده به بخش خصوصی و یا تعاونی مورد بحث قرار گرفته، اما اینکه به چه نحوی، هنوز نحوه آن مشخص نشده است و من روی این مسئله تاکید میکنم که این نحوه عرضه طوری خواهد بود که هم بتواند تولید را بالا ببرد و هم بتواند به عدالت اجتماعی لطمه ای وارد نکند.

س - اگر مطالبی را که گفتید، ضمناً نتایج اجرایی نداشته باشد و اینکار هم صورت بگیرد، عواقب آن چیست؟

ج - اگر این کار بدون ضابطه صورت بگیرد و همینگونه عرضه شود، فی الواقع ما جامعه ای را به سوی سرمایه داری غربی سوق داده ایم، یعنی شرایطی بوجود آورده ایم که ثروتمندان بتوانند ثروت بیشتری بیندوزند و این عواقب خطرناکی برای انقلاب ما دارد.

س - هم اکنون چه ارگانها و نهادهایی، در رابطه با صنعت کار و فعالیت میکنند، فشرده ای از کار اینها بیان و تحلیل کنید؟

ج - صنایع بزرگ و استراتژیک در اختیار وزارت صنایع سنگین است صنایع کوچک و



قرار است که فقط یکسوم وانت ساخته شود و اگر چند نوع ماشین سواری مونتاژ کردیم مانند پیکان، شورلت، فیات و... الان قرار است که ما از این صنایع فقط یکسوم را انتخاب کنیم تا بتوانیم همان یکسوم را توسعه بیشتری بدهیم و نیازهای داخلی را بر طرف کنیم. دیگر اینکه همی از صنایع که عمدتاً صنایع مصرفی و زمینی بودند دیگر تولید نمی‌شوند. و اینها چیزهایی است که در چهار چوب خط مشی صنعتی جامی گیرد و یک مقدار آن برای سال ۶۱ انجام می‌گیرد. و بقیه هم بتدریج عمل خواهد شد.

س - اتمام جنگ و آزاد شدن بنادر چه نقشی در پیشرفت صنایع می‌تواند داشته باشد؟

ج - با اتمام جنگ، فقط بنادرمان نیست که آزاد می‌شود، درست است با آزاد شدن بنادر ارتباط با جهان خارج خیلی بیشتر خواهد شد و بنابراین حمل و نقل کالاها بیشتر صورت خواهد گرفت و از این نظر صنایع ما گشایش پیدا می‌کند، اما چند نتیجه دیگر نیز خواهد داشت، یکی اینکه مقداری زیادی از نیروهای انسانی فعال و جوان که در جبهه‌ها می‌جنگد برمیگردند و می‌توانند چرخهای تولید را بگردانند، دیگر اینکه یک زمینه مساعدی برای خود مسنولین بوجود می‌آید که به صنعت و تولید توجه بیشتری کنند (اینهم یک عامل تعیین کننده برای صنعت است)، دیگر اینکه مقدار زیادی از واحدهای تولیدی ما که مجبورند در رابطه با جنگ تولید کنند، آنوقت می‌توانند در رابطه با سازندگی کشور تولید کنند و من پیش بینی می‌کنم همانطوری که پس از سقوط بنی صدر و پیروزی ما در جنگ سیاسی یک تحول و دگرگونی در برنامه ریزی کشور بوجود آمد، و توانست در اقتصاد و صنعت کشور حرکت چشمگیری ایجاد کند اتمام این جنگ نظامی هم باز تحول و دگرگونی بیشتری را در زمینه صنایع ایجاد خواهد کرد. یا به عبارت دیگر پس از اتمام جنگ سیاسی که ما با موفقیت پشت سر گذاشتیم و پس از اتمام جنگ نظامی که باز ما در آستانه پیروزی هستیم پس از پایان این دو جنگ ما در آستانه یک جنگ اقتصادی هستیم و این جنگ اقتصادی می‌تواند صنعت، کشاورزی، دامپروری و در یک کلمه اقتصاد ما را در این کشور دگرگون کند و از آن وابستگی به غرب نجات بدهد و همانطور که گفتیم در آستانه یک چنین جنگی ما قرار گرفته‌ایم که مسلماً همانطور که در نظام انقلابی نیروهای حزب الهی توانستند صحنه‌های جنگ نظامی را در عرض یکسال به کلی به نفع ما تغییر دهند، و یا صحنه جنگ سیاسی را از آن زمان «بنی صدر صد

در صده در عرض یکسال به سرنگونی بنی صدر ۱۱ میلیونی بکشاند در زمینه صنعتی هم با همان سرعت می‌تواند (در این جنگ صنعتی) موفقیت‌های چشمگیری را در مدت کمی بدست آورد و من احساس می‌کنم این است که ما الان در آستانه چنین جنگی هستیم جنگ اقتصادی با آمریکا.

س - در مورد جنگ اقتصادی یک مقدار بیشتر توضیح بدهید؟

ج - بهتر است قبل از اینکه من جنگ اقتصادی را توضیح بدهم یک مقدار در مورد جنگ سیاسی و نظامی توضیح بدهم ببینید که ما درگیر چه مسائلی بوده‌ایم در زمینه سیاسی ابتدا حاکمیت سیاسی رژیم شاه را در ۲۲ بهمن سرنگون کردیم. بعد از آن حزب الله توانست به حاکمیت لیب‌الها ضربات خود را فرود آورد. بالاخره درست زمانی که این جریان انحرافی توانسته بود خود را بعنوان نهاد و یا سمت جمهوری بر مردم تحمیل نموده و حتی فرماندهی کل قوا را نیز در اختیار بگیرد اما توانستیم در این جنگ سیاسی نیز با عاملی که جلوی انقلاب ما را سد می‌کرد با یک حرکت عمیق و حزب الهی مبارزه کنیم و شکست بدهیم. در زمینه نظامی هم توطئه‌ها بصورت مختلفی وجود داشت، زمانی به صورت توطئه طیس بود، یک زمانی به صورت کودتای نوزده و یک زمان هم به صورت حمله نظامی گسترده صدام بوده که می‌توانیم بگوئیم امپریالیسم در سطح بسیار گسترده به ما حمله کرد و این را هم ما توانستیم پشت سر بگذاریم. در زمینه اقتصادی به این صورت است که از گذشته بصورت پنهان و آشکار زنجیرهای وابستگی اقتصادی به گردن ما اویخته شده بود، این وابستگی اقتصادی در تمام ارگانها و شئون اقتصادی ما به چشم می‌خورد شما هر چه را که تصور کنید به یک نحوی این وابستگی را در آن می‌توانید مشاهده کنید میزان فولادی که در مملکت مصرف می‌شود، سالانه چهار و نیم میلیون تن است که تا پارسال ما ششصد هزار تن تولید می‌کردیم و بقیه‌اش را وارد می‌کردیم. حالا بعداً... باره افتادن کوره بلند یک میلیون و هشتصد هزار تن تولید می‌کنیم. به هر حال می‌بینیم که حتماً صنایع ما که در داخل کار می‌کنند فی‌الواقع خوراک آنها باید از خارج باشد، پس وابستگی اقتصادی به صورت بسیار مرموز و مخفیانه با زنجیرهای نامرئی ما را محاط کرده و در اختیار خودش قرار داده است. پس از آزاد شدن آن نیروها که در جنگ نظامی هستند، ما می‌توانیم این زنجیرها را پاره کنیم. چون نیروهایی بوده‌اند که در کوره گدازان جنگ ابدیده شده‌اند و آماده شده‌اند برای سازندگی در این جامعه و دوران

سخت انقلاب رابست سرگذاشته‌اند جنگهای سیاسی به کاری زده شده، جنگ نظامی با پیروزی مایه اتمام رسیده. بنابراین ما از هر نظر زمینه مساعدی داریم که بتوانیم در این جنگ اقتصادی شرکت کنیم و این جنگ اقتصادی عبارتست از پاره کردن این زنجیرهای نامرئی که به فرمهای مختلف بردست و پای مانداخته شده و آن وابستگی اقتصادی از نظر قطعات یدکی، مواد اولیه، تکنولوژی و سایر مسائل دیگر است. ترک کردن اینها و بطرف استقلال و خودکفائی رفتن از جنبه‌های مختلف همان جنگ اقتصادی است.

س - جنگ اقتصادی پس از چه مدت به پیروزی می‌رسد؟

ج - این که چه مدتی طول میکشد، برای ما قابل پیش بینی نیست، چرا که یک جنگ سیاسی و نظامی را نمی‌توانستیم پیش بینی کنیم، به طور کلی حرکت انقلاب اسلامی که یک حرکت الهی است و بر مبنای ضوابط عرفانی و اشرافی سیر می‌کند و ضوابط مادی بران حاکم نیست محاسبات آن با محاسبات کلاسیک و منطقی جور در نمی‌آید. کمابینه در زمانیکه بنی صدر روی کار آمد، کسانی که خطر بنی صدر را احساس می‌کردند واقعا برایشان مشخص نبود که آیا فردی با این مشخصات را می‌شود در عرض چندماه از صحنه سیاست خارج کرد، هیچ نمی‌شد حساب کرد، و یاد مورد جنگ نظامی هم همینطور. چطور ممکن است، یک ارتشی مثل ارتش عراق که از نظر تسلیحات و سازو برگ نظامی کامل است و چه از نظر نیروهای آموزش دیده و سازمان داده شده به مراتب از ما قویتر بودند و تمام شرق و غرب از آن حمایت می‌کنند، آیا ممکن است که در مدت کمی اینطور به در یوزگی بیفتد و در آستانه سقوط قرار بگیرد؟ (همانطور که پیروزی انقلاب ما هم خارج از تحلیل محاسبه گران بود...)

بقیه در صفحه ۷۰

اصطلاح برتر از گفتار و راستگویی و خوشزبانی است، بلکه سخن گفتنشان معیار است که می توان درستی و نادرستی هر سخن و بیان را با آن سنجید. ملبس نیز محتویاتی بسیار بیشتر از لباس و شعار و ظاهر دارد؛ هرآنچه از چنین شخصی در نظر اول و بطور آشکار و بی پرده به چشم دیگران می آید و معرف ظاهر و بیرون و شخصیت او است، میزانی است برای هدفدار بودن و از هدف منحرف نشدن. اقتصاد نیز به معنی از قصد و مقصد و هدف دور نشدن و پیوسته در میانه و وسط و متن راه قرار داشتن و به سوی مقصد بدون کندی و توقف حرکت کردن است.

مشی نیز باری سنگینتر از ذهاب به معنی رفتن دارد، رفتار است همه جانبه، از اندیشه گرفته تا گفتار و کردار و طرز راه رفتن و شیوه عمل به عنوان یک مقیاس و وسیله سنجش.

درجهت تواضع، تواضع که از وضع گرفته شده به معنی خودرا فرو دانستن، باخاک همسان ساختن، از دیگر موجودات برتر ندانستن، سر به خاک سائیدن و خاکساری در پیش گرفتن است و آنها را تنها در برابر همان آفریدگاری که همه موجودات را آفریده هر یک را در جای مخصوص به خود گذاشته، به انسان نیروی فرارقتن و پیشی گرفتن و برتر آمدن عطا کرده است.

باتوجه به تعاریفی که در این بخش مقدماتی از خطبه همام در وصف متقیان، آن سه عبارت بسیار پر معنی، تقوی را در نهج البلاغه یک حرکت پویا و جهت دار و منضبط می یابیم که دارنده اش موضع

درست خود را در جهان یافته، مرکب هموار و مناسب اختیار کرده با برنامه و رهنوشه کافی و ابزار لازم، بی هیچ انحراف و کندی و توقفی به سوی هدف والا پیوسته رهسپار است.

پیش از نتیجه گیری کلی، بهتر است دو حدیث نیز از رسول خدا در این باره گفته شود تا نوشته عطر انگینتر و مطلب پرنشینتر و نتیجه روشنتر گردد:

قال رسول الله (ص): ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق. (اصول کافی ج ۳ ص ۱۵۷)

رسول خدا گفت: در روز قیامت چیزی سنگینتر و برتر از حسن خلق در میزان اعمال شخص گذاشته نمی شود.

قال رسول الله (ص): اكثر ما تلج به امتي الجنة تقوى الله وحسن الخلق.

(همان منبع. هر دو حدیث با ذکر سند آمده است.) از بیشترین چیزهایی که امت را به بهشت وارد می کنند: پروای خدای را پیشه کردن و حسن خلق است.

در این دو حدیث شریف نیز همان مضامین قرآن را - که فوق آنها است - و مفاهیم نهج البلاغه را - که دون آنهاست - به روشنی می بینیم. در حدیث نخست، وزن و ارزش حسن خلق را در می یابیم و در حدیث دوم هم وزن بودن آن را با تقوی. و از این راه به همان

نتیجه و سخنی می رسم که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

التقى رئيس الاخلاق

نتیجه بررسی مختصر تقوی در قرآن و سنت و ارتباط آن با اخلاق و ریاستی که بر اخلاق دارد در همین نکته نهفته است:

اخلاق همه اندیشه ها، گفتارها، رفتارها، جهت گیریها، موضع گیریها و همدفنداریهای انسان است.

تقوی نیز همه آن حالات و خصوصیات و اعمال و نیات و حرکات و جهات را در بر دارد.

در نتیجه زمام و ریاست نخستین باید در دست دومین باشد. اگر چه در اینجا اخلاق بدون قید حسن آمده، ولی هنگامی که با تقوی هماهنگ و همراه شود یادرنبال آن به حرکت درآید، بدون شک حسن و زیبایی و نیکی را هم در بر دارد.

پس حسن خلق نتیجه پروا داری است و پروا داری حسن خلق را به دنبال می آورد و به گفته رسول خدا (ص)، انسان را از هر عاملی بیشتر وارد بهشت می کند.

تا اینجا مختصری از اصول نظری اخلاق در نهج البلاغه گفته شد. اگر چه در تعالیم اسلام نظر و عمل، ماده و معنی، اندیشه و رفتار از یکدیگر جدا نیستند، ولی این جداسازی از جهت شناخت بیشتر و آماده کردن ذهن برای درک بهتر است. در بخش بعد به اصول عملی آن پرداخته می شود. انشاء الله.

پس از پایان

اما لطف الهی توانست این حرکت عظیم را به سرعت پیش ببرد و هیچ بعید نمی دانم در زمینه اقتصادی هم برخلاف استانداردهای موجود در دنیا بتوانیم این حرکت را به پیش ببریم. امیدوارم خالصانه همه با هم در این جنگ نقش داشته باشیم مسلما نهایی که در این جنگ عظیم می تواند بیشترین نقش را داشته باشد جهاد سازندگی است. چرا که در این دوسه سال در همین زمینه حرکت کرده است، جهاد سازندگی همانطور که از اسمش پیداست جهادی است که می خواهد کشور را دگرگون کند و بسازد و لذا می تواند پرچمدار این جنگ جدید باشد. آبرونی که جهاد سازندگی برای این انقلاب کسب کرد شاید هیچ ارگان دیگری کسب نکرد. و حتی می بینیم در جنگ نظامی هم فعالیت جهاد سازندگی

قابل توجه و چشمگیر بوده است طبق اطلاعات رسیده از جنبه و بازدید می که خودم از جنبه داشته ام می دیدم که چگونه برادران، جهاد سازندگی را در اختیار جهاد نظامی قرار داده اند و موجب موفقیت های چشمگیری شده اند الان هم که در استان حرکت و جنگ اقتصادی هستیم مسلما جهاد سازندگی با سابق سه ساله ای که داشته است درست در کوران جنگ های قدرت در داخل کشور و کارشکبهای لیبرالها در داخل کشور توانست موفقیت های عظیم را کسب کند، مسلما در این شرایط که خط امام حاکمیت دارد، بخوبی می تواند در درگونی اقتصادی کشور نقش تعیین کننده ای داشته باشد و ما امیدواریم این حرکت «جهادی» را که در جهاد سازندگی بصورت یک نور پرفروغی